

لعنت بر وطنفروشان و جنایتکاران هفت ثور و پیروان منفور آن

بعد از سپری شدن ۴۴ سال از کودتای منحوس ثور، بعضی از مطبوعات افغانی

هنوز هم با وابستگان آن تراژیدی بشری، پیوستگی عمیق دارند



This Day in History: 12/24/1979 - Soviets enter Afghanistan

اخبار جهان بتاريخ ۲۴ دسمبر ۱۹۷۹ نوشتند: درین روز در تاریخ، شوروی ها داخل افغانستان گردیدند

مقدمتاً باید عرض نمود که سالی نیست در جهان جنایتکاری ولو کهنسال که سالها از پنجه عدالت فرار نموده و با نام مستعار به گوشه ای از جهان پناه گرفته است، به قانون و مجازات سپرده نگردد. جانیان جنگ عمومی دوم و آلمان هتلری و ایتالیای فاشیستی که از اعمال آنها بیشتر از ۷۵ سال هم میگذرد، با چوکی ارابه دار و حالت صحنی خراب، به دست پولیس و محاکم سپرده میگردند. سال قبل باز هم یکی از جنانیان آلمان نازی که به سن بالای کهولت بیشتر از نود سال رسیده بود و گفته شد که وظیفه محاسب آن رژیم مخوف را بر عهده داشت، بعد از سپری شدن ۷۳ سال از سقوط آن تشکیل دوزخی، دستگیر و به محکمه ای در آلمان سپرده شد و بزودی اعلام گردید که در پهلوی وظیفه ایکه داشته، به چندین فقره جنایات غیر بشری متهم میباشد.

متأسفانه جنایتکاران ۷ ثور و ۸ ثور افغانستان با هر رژیمی مؤفقانه تغییر هویت داده و بر مسند قدرت تکیه کرده و به کمک حامیان استعماری خارجی نه تنها بر مظالم خویش افزوده اند، بلکه با

چور و چپاول گوناگون دارایی های ملت، فقر و بیچارگی و نفاق و شقاق بین ملت را هم بصورت وسیع و تا امروز در افغانستان ویران سبب گردیده اند.

در مورد کودتای منحوس و خانمان برانداز ثور، تا کی و تا چند هر سالی بنویسیم که تعلیم یافتگان شوروی سابق و وطن فروشان جاسوس و حلقه بگوش روسی، دهه ها با وابستگی به آن کشور و سرسپردگی به خدمتگاری آن ابر قدرت سخیف، خاک پاک افغانستان و سرزمین مقدس افغان ها را با ایجاد یک کودتای خونین که دامنه آن را بدون شک به کودتای سرطانی محمد داود باید پیوست، بفروش رسانیدند و به آنهم قناعت ننموده و کشور را سبعانه پامال تانک و توپ عساکر اشغالگر و ددمنش شوروی نمودند تا از هوا و زمین به آتش بکشند!

بلی این همان حالت زاریست که با دو ملیون کشته، در حدود هفت ملیون آواره اجباری، دونیم ملیون معیوب و معدوم گشتن هزاران قریه و شهر از روی نقشه جغرافیای جهان، تراژیدی بزرگ انسانی را در نیمه دوم قرن بیستم بر ملتی بی دفاع و مظلوم علناً وجود آورد!

گرچه کودتای ثور و علل و پیامد های آن به حکم تاریخ نمیتواند تحریف گردیده و فراموش ملت افغان یا جهانیان گردد، ولی با موجودیت تفاله خوران سابق و کاسه لیسان وابسته به «خلق و پرچم و حتی خادستان بیرحم رژیم» که در هر گوشه از جهان پراکنده بوده و اکثراً در خون خیرات ممالک غربی جیره خور و محتاج اند، بعضاً منکر آنچه بوده و آنچه کرده اند هستند، در حالیکه عده ای دیگر با شتارت و بیوجدانی بر مسند امتیازات جهان غرب که زمانی مورد لعن و نفرین شان قرار داشت، تکیه داده و برای آزادی و آبادی «؟!» افغانستان عزیز «نوحه سرایی» می نمایند. به عباره دیگر، با خاک زدن به چشم هموطنان، این گروه دغل و چندین چهره با نقاب فریبنده «وطن پرستی» دست به قلم برده، به کمک امکانات وسیع انترنتی، علنی و با اغفال هموطنان، یا مانند پیروان ملت ستیز «نجیب الله خاد» کبوتر های سفید صلح را در رأس صفحات وبسایتی نصب نموده اند و از قهرمان شهید «؟!» دیگری سفسطه رسایی می نمایند و یا در وبسایت هایی مانند «افغان جرمن آنلاین» و «آریانا افغانستان آنلاین» به تدریج جا خوش نموده و از هر هموطنی بیشتر وطنپرستی و ملی گرایی «؟!» را تمثیل می نمایند!!

بلی، وقتی سفاک قسی قلبی چون «صمد ازهر» که الحق باید سالها قبل به دست عدالت خواهان محاکم بین المللی گرفتار و به جزای اعمال شوم خویش میرسید، هنوز هم قلم برداشته بر مقدرات افغانستان و سرنوشت ملت آن، بیشرمانه نظر میدهد، باید گفت که «دزد هم میگوید ای، صاحبخانه هم!». ولی اگر سایت افغان جرمن که زمانی بر علیه هرچه خلقی و پرچمی و تنظیمی بود مبارزه

می نمود، صرف با افزودن تعداد قلمبندست در مسابقات کمیت مطالب و بالا رفتن رقم «میتز»، هر جنایت پیشه و پیروان خلق و پرچم را فرا خواند، مگر چنین شخصیت مذمومی که نه تنها تاپه وطنفروشی پرچم سیاه اندیشه را بر پیشانی دارد، بلکه ارتکاب جنایت هولناک نحوه مرگ شخصیت ملی و براننده ای چون «شهید میوند وال» هم بر روی کتیف وی بدون شک نقش بسته است، جرأت هنر نمایی را از مخفیگاه خویش میداشته باشد؟!

بعد از تقریباً چهار و نیم دهه غفلت و چشم پوشی از پامال عدالت اجتماعی در قبال جنگ های افغانستان و جنایات گوناگون، گرچه محاکم بین المللی از متهمین لست ها و دوسیه های عریض و طویلی هم در اختیار دارند، بالاخره فقط یک نفر را به نام «غفار عریف» که از سال ۲۰۱۹ با شهادت عده زیادی از جنایت وی، به یک محکمه خاصی در هالند سپرده شده بود، به اثبات اعمال خونین ضد بشری ایکه در ایام قوماندانی در زندان مخوف پلچرخ مرتکب گردیده بود، به ۱۲ سال زندان محکوم نمود.

این خبر گرچه از لحاظ کمیت، فقط یک قدم شمرده میشود، ولی از لحاظ کیفیت ماجراء، قابل امیدواری است که دریچه ای برای بازخواست و عدالت جنایت کاران افغانی بالاخره، باز میگردد؛ زیرا حتی محکمه «جنایات بر علیه بشریت یا -ICC» هم که چنین وظیفه ای را بر عهده دارد، متأسفانه چون در سال ۲۰۰۳ افتتاح گردیده است اقدامات عدلی آن به ماقبل مراجعه نمی نماید.

جای امیدواری است که محکمه ایکه فیصله مذکور را صادر نمود، قید زمان ندارد و به اساس اصل حقوقی «صلاحیت جزایی جهانی» اجازه میدهد که افراد را با سوابق جنایی ضد بشری و جنایات جنگی، حتی از سرزمین دیگری به محاکمه بکشد. بدین منوال روزی میرسد که به کمک افغانان درد دیده و عزیز از دست داده، محاکم مشابه در خارج بتوانند «صمد ازهر» ها و امثال آن دستان آغشته به خون ملت افغان را یکی بعد دیگر به عدالت بسپارند.

ناگفته نماند در تعدادی از وبسایت های افغانی که در خارج نشرات دارند، منجمله آنهایی که ذکر گردید، سابقه داران حزب دیموکراتیک خلق یعنی وطنفروشان «خلق و پرچم» را با سوابق اظهر من الشمس شان، به شمول عده ایکه بعد از کودتای منحوس ثور از خارج برای همگامی و فعالیت زیر پرچم شوروی غدار، عازم وطن گردیدند، با آغوش باز در حالی پذیرفته اند که گویا فاجعه خونین کودتای ثور و اثرات بعدی آن را تا امروز به فراموشی سپرده اند.

بدون شک آنچه درین طرز و شیوه همکاری فرهنگی خطرات زیاد اجتماعی و تاریخی را سبب می‌گردد، همانا اغفال ذهنیت عامه و تحریف اذهان نسل جدیدی است که در آن عصر به دنیا نیامده بودند تا مانند ما حقایق خونین را به چشم سر شاهد گردند که متأسفانه، بدین طریق در شناخت دوست و دشمن به خطا رفته و به تاریخ واقعی سرزمین شان آگاهی حاصل نمی‌نمایند.... و البته تفاوتی هم چنانچه در وبسایت‌ها مشاهده می‌گردد بین خاین و وطنپرست موجود نمی‌گردد!!

در پایان مطلب برای این‌قلم نهایت جای تأثر و نا باوری است که به تدریج موجودیت وابستگان خلق و پرچم در سایت‌های انترنتی شناخته شده، آنقدر در ضمیر و حیات فرهنگی بقیه قلم بدستان حک گشته است که هموطنانی که زمانی با چنان گروه خطاکار در مبارزه ملی بودند، دردا که امروز با تعریف و تمجید و ارائه القاب ملی و استادی و امثالهم، از آنان تمجید و قدرمندی به عمل می‌آورند. باید معترف گردم که با مطالعه قدرمندی و توصیفی که «برادر من»، انجنیر خلیل الله معروفی قبلاً در ستایش شعر ملی‌گرایانه «!؟» یک جنایت پیشه و خاین ملی وابسته به شوروی، یعنی «سلیمان نالایی» که نفرین ملت افغان بر وی باد، پیشکش جهانیان نمود و حال در مورد «روز زمین» از یک سابقه دار دیگر چپ‌گرا قدرمندی به عمل می‌آورد، مرا بیاد سرزمینی انداخت که بعد از اشغال خاک مقدس افغانستان، از آسمانش سامان بازی آتشبار در کشتزارها بر اطفال معصوم فرو میریخت و زمینش.... در آتش مذاب و با موجودیت مظلومین خرد و بزرگ، شعله ور گردید که آن سرزمین هنوز هم از کار روایی آن گروه و گروپ جنایت پیشه زمین فروش، در حال سوختن است.

۰۷ ثور ۱۴۰۱ ش

